۱۵ برگ

میکرو فیلم تهیه شد

آستان قدس

بازبینی شد
۱۳۵۳

کتابخانهٔ آستان قدس

فارسی

اسم کتاب داحر الشیطان

مصنف حاج شیخ عباسقلی تهرانی

مؤلف

خطی شکسته مختلف السطر

چاپی

سال چاپ یا تحریر — عدد اوراق ۱۱

جزء کتب عقائد شماره

شماره عمومی ۷۲۷۵ شماره قبض

واقف مؤلف تاریخ وقف ابان ۱۳۲۸

طول ۲۱ عرض ۱۳ گنجه

۸۷

خطی

ذیر تذییل [illegible]

الزار الربیع مینویسد در ایه وحدیث یا ارحم الراحمین الی ۲۳ نوع از محسنات بدیع جمع است و میشاه [illegible] ۲۳۳ معنی در د الشفیع و الوتر مینویسد

بلوغ الارب مینویسد درایه هر ایک حدیث ضعیف ابراهیم الکرمی [illegible] قوله مال الا انا کلون ۱۶ مرتبه است و میشاه

[illegible]

رد ینابیع الاسلام

~~پنجاب [illegible]~~ انارکلی لاهور

~~[illegible] لاهور~~

۱۸۹۹

فحوا [illegible] در صفحه ۱۰۳ ینابیع الحق

قرآت از ینابیع الاسلام نقل نموده و

جواب میدهد اسم مؤلف ینابیع و

عبد المسیح نقش [illegible] نقل [illegible]

رد الهدایه با منقول [illegible]

وحی کورک [illegible] از تورات و کتب سائر [illegible] است

تعبیر دانیال و جوب حمل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خلیب [illegible]

[illegible]

کتب جانه صدره [illegible]

جواب الهدایه [illegible]

[illegible]

[illegible] میزان الحق ینابیع الاسلام

الهدایه کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تنبیه هر مطلبی بمقداری مناسب [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب و حفظا من کل شیطان مارد لا یسمعون الی الملأ الاعلی و یقذفون من کل جانب دحورا و لهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب

نکته‌ها چون تیغ پولاد است تیز / چون نداری تو سپر واپس گریز

پیش [illegible] فولاد با اسپر میا / کز بریدن تیغ را نبود حیا

حرف [illegible] از زره پوشان بود / در نخست حرف تو [illegible] راه

۱۳۴۰ بدانکه این وجیزه مسماة است به رجم الشیاطین و وضع نمودم آنرا برای زجر و طرد یکنفر از ابالسه این عصر [illegible] که رساله از ترهات و هذیانات و موهومات زنادقه این زمان را جمع و تلفیق نموده و از برای تشویش اذهان [illegible] و آنرا تسمیه نموده بینابیع الاسلام و ما از برای تقویم و تسدید اذهان [illegible] صاحبان عقول سلیمه مطالب آنرا بنحوی که متعلق است بان ینابیع الکفر در ضمن چند فصلی مختصر بیان مینمائیم بطوریکه هر ذی حس و شعوری از ضعفا [illegible] اضعاف آن ترهات را [illegible]

الفصل الاول در تعلیم و ذکر معذرت و وجه تجبر و خشونت این مقاله است نسبت بمؤلف کتاب ینابیع الکفر و این وجه [illegible] راهست عقلی و نقلی و طبعی اما عقلی بجهت اینکه تمام عقلا متفقند بر اینکه هر کس نسبت بشریفی از اشراف و بزرگی از بزرگان اسائه ادب کند [illegible] البته [illegible] استحقاق دارد اهانت و خشونت او را [illegible] کسیکه نسبت بحضرت اشرف الانبیاء علیه السلام جسارت کفر آمیز کند آنهم مکرر در مکرر استحقاق تمام مراتب خشونت و درشتی و بدگوئی را خواهد داشت و اما نقلی بجهت اینکه در [illegible] جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام [illegible] هر کس [illegible] و فحش [illegible] حضرت خاتم [illegible] گذشته از آیه مبارکه فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و نص و جزاء سیئة سیئة مثلها و البته [illegible] باقی نیست [illegible] چونکه [illegible] و [illegible] طبعی بجهت اینکه [illegible] و عقاید راسخه اعم از صحیح و فاسد [illegible] صاحبان عقاید راسخه [illegible]

وجدان بود و [illegible] عقیده [illegible] مینماید چه که طبع [illegible] مخالفت عقیده بود و مخالف بود بهر وسیله ممکنه [illegible] بر سر عقیده میگذارد و البته بر طبع هر مسلمانی [illegible] باز پس است که کسی نسبت برئیس دین او [illegible] تا عقیده شرافت و بزرگی و عصمت و نبوت باو داده [illegible] بلکه مجبور میداند در خشونت در کلام و [illegible] هر کلمه از طرف مؤلف ینابیع در فحش و خشونت [illegible] و لوطی گری [illegible] بلکه بموجب [illegible] حضرت امیر [illegible] (من [illegible]) [illegible] در این درجه از وقاحت و بی شرمی او روشن دلیل است بر اینکه این [illegible] خلقه دارای [illegible] منکوس است یعنی مابون است و بلکه بموجب اخبار کثیره [illegible] اهل بیت عصمت و طهارت علامت [illegible] حرامزاده است [illegible] زیرا که نهایت بغض و عداوت [illegible] حرامزاده هم بر حسب تصریح خودش در صفحه ۱۱ کتابش [illegible] دین اسلام را [illegible] تو از غیضت بمیر)

الفصل الثانی

بدانکه [illegible] اعتراف و تصدیق بوجود صانع [illegible] از انسان و حیوان [illegible] سر بلند نمودن باسمان و جریان اشک از چشمان [illegible] هر انسانیرا برای توجه و تنبه [illegible] در آیات الآفاق و الانفس [illegible] طریقه معرفت است و لذا معمول انبیاء و ائمه علیهم السلام همین طریقه بوده است در ارشاد ناس

میداند که در آن دو باب اسلام اعم از معتبر و غیر معتبر و میگوید حضرت محمد این قصه را از اینجا اخذ نموده چنانکه مشهور
در ص ۱۶۴ میگوید از آنچه گفته شد انکار نمیشود که حضرت محمد آنچه ذکر میزان را که در قرآن است از این کتاب جعلی
که تخمیناً چهارصد سال قبل از هجرتش در مصر تصنیف شده اخذ نموده و میتوان گفت که این اخذ عمداً
از آن کتاب بهم رسانیده و از ماریه قبطیه که کنیزکش بود حاصل کرده — تا آنکه پس از چندین توهمات دیگر
باز در ص ۱۷۳ میگوید درکجا پیدا است که شخص عالم ثابت کند که بسیار چیزهای دیگر نیز علاوه بر آنچه ذکر شد
از آنچه در قرآن و در احادیث مندرج است از کتابهای جعلی مسیحیان اخذ و یا از تصنیفات با طایفه عیسائیان
اخذ گشته اما شاید آنچه قبلاً ذکر شده است کفایت میکند — پس از آن در ص ۱۷۵ گفته حاصل کلام آنکه
ادعای معترضین که بر آمده از انجیل و کتابهای دیگر مسیحیان خصوصاً بعضی صحیفههای جعلیه عیسائیان قدیم یک
از منابع تعالیم دین اسلام بوده است هرگز قابل انکار نمیباشد — پس در همان صفحه شروع میکند
بذکر چیزهائیکه بزعم او حضرت از کتب زردشتیان و هنود اخذ نموده پس قصه معراج را از آیات و بعض
اخبار نقل نموده و در تورات اسم یکی از کتب زردشتیان ما قدری از خطوطها نقل میکند و در ذیل مینویسد
ص ۱۹۶ واضح است که مابین این حکایت معراج با دستور مجوسی و آنچه درباره معراج حضرت محمد مذکور شد
مشابهت عجیب یافت میشود — باز در ص ۲۰۱ میگوید آنچه درباره جنت و حور و غلمان و اجنه و ملک الموت
و ذریت کائنات در قرآن و احادیث مندرج است معترضین میگویند اصل و بنیاد همگی این تعالیم در کتب
زردشتیان یافت میشود و هر آنکه کتاب مقدس را بخواند میداند که اثری از آنها در کتاب هیچ یک
از انبیاء یافت نمیشود — پس از این باز یک صحبتهای طفلانه میکند که در ضمن آنها حدیث اول ما خلق
نوری و غیر آنها از کیفیات و شئون خلقت نور مبارک حضرت محمد است با تطبیق میدهد بخیالات سخیف
و توجیهات بچگانه با آنچه در کتب زردشتیان ذکر شده است درباره جمشید تا آنکه در ص ۲۱۹ میگوید
آخر کلام اگر شخصی بگوید محال است که حضرت محمد حکایات و علوم زردشتیان را پسندیده داخل قرآن و احادیث
خود کرده باشد و نیز ممکن نخواهد بود که آن نبی امی از این امور واقف باشد پس معترضین در جواب
میگویند که اولاً در روضة الاحباب مندرج است که حضرت محمد عادت داشته که به اشخاص هر طایفه
که نزد وی میآمدند چیزی بزبان ایشان بگوید و چون باین طور بعضی اوقات بزبان فارسی حرف میزد از همین
سبب چند لفظ فارسی در زبان عرب رواج یافت و ثانیاً چون معلوم شد که حضرت محمد [illegible]
داستانها

داستانها و رسوم عرب بت پرست را پسندیده داخل قرآن خود ساخت پس چه اشکال دارد که
قصههای فارسیان نیز مقبول وی گردیده باشد — تا آنکه بصفحه ۲۲۱ مینویسد که و میگویند در ایام
خود حضرت محمد دشمنانش بر آن بودند که سلمان در تصنیف کردن قرآن مددکار حضرت محمد میباشد و ذکر این
مطلب در سوره نحل یافت میشود ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان
عربی مبین البته اگر معترضین میگفتند که اعجمی بسبب حسن عبارت قرآن بوده این جواب کفایت میکرد ولا
چنین ادعا نشده لکن لازم است بسیاری از مطالب قرآن و احادیث مطابقت حیرت انگیز دارد با آنچه در کتب
زردشتیه یافت میشود پس این آیه قرآن برای رد اعتراض کافی نیست بلکه از این آیه هویدا است که در ایام
خود محمد معلوم شده بود که آنحضرت از سلمان فارسی تعلیم یافته است پس لابد است که ما اینرا نیز
مسلم داریم که کتب زردشتیان نیز یکی از منابع دین اسلام میباشد — در ص ۲۲۲ بعد دسته دیگر را
ذکر میکند که حضرت پاره از دیانت خود را از آنها آموخته و آن دسته عدهٔ قلیله میباشند که در زمان جاهلیت
از بت پرستی متنفر و در فکر بدست آوردن مذهب و آئین حضرت خلیل بودند و آن دسته را حنفاء مینامیدند
دانای آنها ابو امیر و اصحابش در مدینه و امیه در طایف و ورقه و عبیدالله و زید و عثمان بن الحویرث در مکه بودند
چنانکه تاریخ زهری بیان نموده و معترضین بر آنند که خیالات و گفتگوی این اشخاص خصوصاً تعلیمات زید
ابن عمرو تاثیر زیادی در دین حضرت محمد نموده و لذا در عده از آیات قرآن مثل فاتبعوا ملة ابراهیم حنیفا
تمجید این طریقه را نموده — تا آنکه در ص ۲۳۵ میگوید بهر حال امکان دارد که آراء و اقوال و خیالات
و تعالیم زید و حنفاء دیگر بر حضرت محمد اثری اعظم کرده باشد — پس از آن دفع ما یقال میکند که اگر
کسی بگوید بنابر آنچه در منابع اسلام ذکر شده حضرت محمد از خود چیزی نیاورده و تمام از غیر است
جواب میدهد که خیر پاره دستورها را نیز از خود در قرآن درج نموده مانند آیات جهاد و ترتیب آن
پس در ذیل ص ۲۴۰ میگوید البته این مجموعه مطالب و تعالیمیکه در قرآن و احادیث موجود است مثل
انواع و اقسام آبی است که در دریاچه از هر طرف از منابع متفرقه جاری شده باهم پیوسته باشد لذا
هر کس بخواهد آب شفاف پاک را بنوشد نمیباید از جوی کدر بیاشامد بلکه بسوی خود سرچشمه نهر آب
حیات رجوع باید که خود قرآن بارها بران شهادت داده و آن سرچشمه کتب انبیاء و حواریین میباشد

۱۱ برگ

و هر که بخواهد بداند دین حضرت ابراهیم خلیل چه بوده است باید تورات حضرت موسی را با دقت تا خط ۸ [illegible]
دانیال بخواند دید که خداوند وعده داده که خداوند نجات دهنده دید عیسای مسیح از نسل داود
و پسرش اسحق تولد خواهد یافت انتهی این بود خلاصه کلمات و مطالب کتاب ینابیع الاسلام تا صفحه
۲۴۲ در آخرین صفحات آنست و در کتابخانه خ ابتیاع فرمودالملک نوشته ازمن [illegible]

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

بازبینی شد
۱۳۷۱